

دیباجه‌ای بر رئالیسم جادویی

مترجم و ویراستار: آنی هوسپیان

زندگی روزانه در این داستان‌ها و کتاب‌ها جادویی می‌شود

رئالیسم جادویی یا رئالیسم جادو نگرشی است که در زندگی روزانه، وهم (تخیل) و افسانه را با یکدیگر ادغام و یکی می‌کند؛ اما چه چیزی واقعی است؟ و چه چیز تخیلی؟ چیزی پیش‌پافتاده در دنیای رئالیسم جادویی تبدیل به پدیده‌ای خارق‌العاده می‌شود و بالعکس، امری جادویی تبدیل به ساده‌ترین چیز می‌شود.

از این گذشته، رئالیسم جادویی، تحت‌عنوان رئالیسم حیرت‌آور و رئالیسم شگفت‌انگیز (جالب) نیز شناخته می‌شود؛ رئالیسم جادویی را نمی‌توان به‌عنوان یک سبک و ژانر دانست بلکه، راهی است برای تردید به ذات واقعیت. در کتاب‌ها، داستان‌ها، اشعار، نمایش‌نامه‌ها و فیلم‌ها با پیوند دادن روایت‌های واقعی و تخیل‌های پرت و دور از هم، بینش‌هایی دربارهٔ جامعه و سرشت انسان هویدا می‌کند. واژه یا اصطلاح رئالیسم جادویی با آثار هنری واقع‌گرایانه و تمثیلی در نقاشی، هنرهای ترسیمی و مجسمه‌سازی که در نهن معنایی پنهان را نشان می‌دهند، پیوند خورده و مرتبط است.

شگفتی وارد داستان می‌شود

هیچ چیز جدیدی دربارهٔ وارد کردن پدیده‌های شگفت‌آور و ناشناخته در داستان‌های مردم عادی وجود ندارد. پژوهشگرهای ادبی، رئالیسم جادویی را در شخصیت پُر حرارت هیشکلیف در کتاب «بلندی‌های بادگیر» امیلی برونته و همچنین شخصیت گریگور سامسای نگون‌بخت در کتاب «مسخ» فرانسیس کافکا که به حشره‌ای عظیم‌الجثه تبدیل می‌شود، شناسایی کرده‌اند. به هر روی، عبارت «رئالیسم جادویی»، از میان جنبش‌های ادبی و هنری خاص اواسط قرن بیستم، سر از خاک برآورد.

هنر از تنوع تا سنت

منتقد آلمانی فرانسیس رور (۱۹۶۵ - ۱۸۹۰)، سال ۱۹۲۵ اصطلاح رئالیسم جادویی را برای آثار هنرمندانی آلمانی که روال موضوعات عادی را با کناره‌گیری وهم‌آور به‌تصویر می‌کشیدند، بیان کرد. منتقدها و محقق‌های ادبی در دهه‌های ۵۰ تا ۱۹۴۰، برای رئالیسم جادویی، لقب هنری از سنت‌های مختلف، استفاده می‌کردند. تمام مجموعهٔ بزرگ گل‌ها اثر جورجیا اوکیف (۱۹۸۶ - ۱۸۸۷)، خودنگاره‌های روان‌شناختی فریدا کالوی (۱۹۵۴-۱۹۰۷)، همچنین آثار تامل‌انگیز ادوارد هاپر (۱۹۲۲ - ۱۸۸۲) را می‌توان در حیطهٔ رئالیسم جادویی جا داد.